

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمی از همکاران قلمی

۰۷ فبروری ۲۰۲۳

ولایت های افغانستان در مسیر تحولات اجتماعی – اقتصادی

(۹)

پارک های صنعتی و صنایع هرات:

«تکامل اقتصادی که همانا زیربنای یک جامعه است، تصویری از جوامع مختلف می دهد که از نگاه تاریخی این جامعه در کدام مرحله از تکامل خود قرار دارد و همچنان همین زیربنای اقتصادی تعیین می کند که کدام طبقه یا طبقات در مبارزه با هم قرار دارند، کدام طبقه دارای وسایل تولید است و کدام طبقه محروم از وسایل تولید، کدام طبقه استثمارگر است و کدام طبقه یا طبقات استثمار شونده و بالاخره کدام طبقه پیشرو و چرخ تاریخ را به پیش می برد و کدام طبقه می خواهد جلو آن را بگیرد.»

تحت این عنوان در این قسمت نگاهی به بخش های مهم تولید صنعتی ولایت هرات می اندازیم. این بخش را بر اساس این داده علمی فوق، در پیوند با رابطه کارگر و کارفرما در روند تولید و بازتولید وسایل تولید و محصولات صنعتی در کارخانه های صنعتی هرات ذیلاً به اختصار مرور می کنیم:

در کل کشور "تولیدات صنعتی داخلی" به اثر تبعات ویرانگر و محدودیت های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ناشی از جنگ های دراز مدت تحمیلی تجاوزی و نیابتی بر کشور و زحمتکشان آن، با رکود و تعطیلی گسترده مواجه بوده و فعالیت قسمی داشته است. صنایع بومی در حال حاضر قادر است که از صد ها قلم کالای مصرفی و ضروری، پنجاه فیصد مورد نیاز مردم را در داخل کشور تولید کند. در سراسر افغانستان بیش از ۳۰ پارک صنعتی در شهر های کابل، هرات، مزارشریف، ننگرهار، قندهار، جلال آباد و... ایجاد شده است که از آن میان ۱۰ پارک صنعتی اکنون به گونه نسبی فعال است و تولیدات خود را به بازار های افغانستان عرضه می کنند.

در افغانستان چهار هزار و پنجصد فابریکه خورد و کوچک وجود دارد. از آن جمله دو هزار و هفتصد کارخانه عملاً فعالیت دارند. از کل نفوس چهل میلیونی کشور که بیست میلیون آن واجد شرایط کار اند و نود فیصد طبقات محروم کارگر و دهقان را تشکیل می دهند، یکصد هزار کارگر صنعتی از همین اکثریت بیکار و محروم فعلاً در این کارخانه های تولیدی کار می کنند. ناگفته نماند که در هرات در شرایط فعلی ده هزار کارگر در پارک صنعتی هرات مشغول کار در کارخانه های تولیدی هستند که قبلاً تعداد کارگران به بیست هزار کارگر می رسید.

کارخانه های تولیدی در هرات

هرات با داشتن امکانات بهتر نسبت به سایر ولایت های کشور، دارای پارک صنعتی بهتری در یک منطقه با ساحه و وسعت بزرگ تر و امکانات بهتر از برق و آب، است. بیش از چهار صد و پنجاه کارخانه تولیدی قسماً با ماشین آلات مجهز در این پارک توسط تاجران سرمایه گذاری شده است که قبلاً فعالیت داشتند. مدتی پس از نصب مزدوران طالبان بر سریر امارت پوشالی توسط امپریالیسم غدار امریکا و شرکاء، مسؤولان اتاق های صنایع و معادن هرات اعلام کرد که با گذشت چند ماه از زمامداری این گروه مزدور پیشه بر کشور، بیش از دو صد کارخانه ها در شهرک صنعتی این ولایت از فعالیت بازمانده و یا هم تولیدات خود را کاهش داده اند.

به گفته آنها، محدودیت ها و موانع اقتصادی، گرانی و نرسیدن مواد خام از خارج و نبود بازار فروش به دلیل گسترش فقر و بیکاری و کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان داخلی محصولات صنعتی هرات، از علت های اصلی کاهش فعالیت های شهرک صنعتی هرات هستند.

مسؤولان محلی هرات می گویند که طالبان از فرط تنگدستی مالی، محصول گمرکی مواد مورد نیاز صنعت را در زمره کالا های وارداتی چند برابر افزایش داده اند تا مخارج ماشین جنگ و سرکوب را تأمین کنند. از این بابت کارخانه های صنعتی هرات مثل مناطق صنعتی کشور کاملاً از این ناحیه متأثر شده و از فعالیت باز مانده اند که به نوبه خود، باعث افزایش بیکاری و فقر و گرسنگی زحمتکشان در حوزه هرات شده است.

کارخانه های تولیدی فعال و غیرفعال در هرات:

پارک ها و تولید صنعتی در حوزه هرات دارای سابقه بوده و مسیری طولانی پر از فراز و فرود را پیموده است. در طی ۲۰ سال گذشته تحت سلطه مستقیم اشغالگران امریکائی - ناتوئی بر افغانستان، این پارک صنعتی تحت فشار سرمایه کمپرادوری و سیاست های نئولیبرالی حاکم بر نظام اقتصادی و سیاسی کشور ما، همراه با عدم حمایت گمرکی، به حاشیه رانده شده و به طور ضمنی در کنار و سیطره سرمایه مالی و بورژوازی دلال توريد کننده کالا های بیرونی، به گونه قسمی فعال بوده است.

در حال حاضر در تحت سیطره نظام ضد کارگری و مزدور طالبانی، به رغم موانع، فشار و عدم حمایت دولتی، برخی از این کارخانه ها و کارگاه ها در بخش های صنعتی زیر فعالیت تولیدی نسبی دارند. نوشابه ها (انواع نوشابه، آب معدنی، آب میوه)؛ فابریکه های خدمات برق رسانی (ساخت پایه های برق، توربین های بادی و برقی، سامان و لوازم برقی، شامل صندوق های برقی و انواع و اقسام کیبل ها) ذوب آهن و فلزات و المونیم شامل (ظروف المونیمی، دبه های گاز، سیخ گول، در و پنجره المونیمی)؛ پروسس پوست و چرم سازی؛ لوازم بهداشتی و طبی شامل (صابون های لباس شوئی، دست شوئی، پودر و مایع ظرف شوئی)؛ لوازم طبی و ادویه ها، سیروم سازی؛ صنایع مواد ساختمانی شامل (گچ بلوک، خشت و سمنت)، لوله های آبرسانی شامل (لوله های پولیکا، اتصالات لوله های سبز پولی اتلین)؛ تولید انواع رنگ های تعمیراتی؛ تولید مواد غذایی شامل (بسکویت، کیک، کلوچه، پوله نمکی، مکارونی)؛ تولید پلاستیک باب شامل (ظروف پلاستیک يك بار مصرف و خریطه های پلاستیک)؛ تولید قند، و انواع چاکلیت ها، تولید آرد و پروسس گندم؛ تولید لبنیات شامل (آیسکریم، شیر، ماست)، تولید روغن های خوراکی (روغن کنجد و روغن پنبه دانه)؛ بسته بندی میوه های خشك (پسته، بادام، کشمش و غله)؛ تولید مصنوعات چوبی شامل (مبل و فرنیچر و صنایع چوب دستی)؛ کفش سازی (پلاستیکی و چرمی)؛ صنایع قالبین بافی (قالبین های ماشینی و دستی)؛ تولید کارتن و جعبه؛ فارم های گاو داری؛ تولید و پراسس مواد گوشتی؛ لوازم فلزی (هنگر سازی و کانیکس)؛ و غیره.

با تولید این اقلام صنعتی فوق برای بازار داخلی و ممانعت از صدور آن به خارج، رفع تعرفه های گمرکی کمرشکن و مانع تورید اجناس مشابه از کشور های همسایه با وضع قوانین دولتی حمایت گمرکی، توأم با رفع مشکلات آب و برق؛ می توان ادعا نمود که با داشتن منابع و نیروی کار وافر، هرات و چند ولایت همجواریش در بخش های معینی خود کفاه خواهند شد.

اما در حال حاضر مانع بزرگی در برابر تحقق این مأمول در کشور وجود دارد. مانع بزرگ در زمینه خودکفائی و شکوفائی اقتصادی، مثل نظام های سیاسی و طبقاتی گذشته وابسته و مزدور امپریالیسم، نظام ارتجاعی فنودال - کمپرادوری طالبان به مثابه مخلوق امپریالیسم در کشور است. در هر کشوری از آن جمله افغانستان، خودکفائی اقتصادی و روی پای خود ایستادن، ولو به سطح محدود، پیام آور و مژده دهنده استقلال اقتصادی کشور و بشارت دهنده ایجاد اقتصاد مستقل ملی در افغانستان تحت ستم، وابسته و غارت شده دیروزی و امروزی، است. استقلال اقتصادی هم پایه محکم استقلال سیاسی و یک رکن استقلال ملی است. استقلال ملی هم در یک کشور وابسته و تحت ستم مثل افغانستان امروزی، پایان سلطه همه جانبه امپریالیسم، سرمایه مالی و سرمایه دلالی و دو نیروی ارتجاعی وابسته، همسرشت و مرتبط با صاحبان سرمایه مالی را در یک کشور همراه با سیاست اقتصادی نئولیبرالیسم، "بازار آزاد"، "تجارت آزاد" (بخوان تجارت نابرابر)، خصوصی سازی، سیاست عدم حمایت دولتی از تولیدات داخلی، تعرض و تهاجم به حقوق و مزایای کارگران و زحمتکشان و ریاضت اقتصادی را، اعلام می دارد.

گروه حاکم طالبان به مثابه یک نیروی طبقاتی ارتجاعی ستمگر، ماهیت فنودال - کمپرادوری داشته و به مثابه مخلوق امپریالیسم مخالف صریح استقلال اقتصادی و سیاسی کشور ما است. با این سرشت اجتماعی و تاریخی و در هم تنیدگی به امپریالیسم، به سرمایه مالی و سرمایه دلالی - مافیائی در افغانستان و منطقه و جهان و با این بنیه پوشالی، هرگز نمی تواند در جهت مخالف با منافع، ارزش ها، اصول و دیدگاه ها و نگرش های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خداوندگار خود - امپریالیسم و ارتجاع در مجموع، به ویژه امپریالیسم غدار و غارتگر امریکا - سیر نماید.

متأثر از همین ویژگی های گروه دلال و قراردادی طالبان در حد یک پروژه نواستعماری، سیستم های مالیاتی، محصول و سائر وجوه مالی که از مالیه دهندگان به دولت خود خوانده طالبی به اجبار اخذ می شود، بدون ارائه حمایت و خدمات متقابل از جانب طالبان، مشکلات فراراه صنعتگران بیشتر از گذشته وجود داشته و دارد. در تحت اداره پوشالی و دلالی طالبان، تعریف و تداوم اصول و قوانین نئولیبرالیسم و همان "بازار آزاد" که دیروز از جانب امپریالیسم اشغالگر و نهاد های نظارتی مالی اش بنا یافته و بر کشور ها و دولت های وابسته به شمول کشور ما تحمیل شده بود، کماکان به قوت خود ادامه داشته و ناظر بر روند تولید و تجارت است. بلند بردن تعرفه های گمرکی بالای مواد خام، نبود معافیت مالیاتی برای صنعتگران به مدت کوتاه، تورم جهانی، نبود فرصت های کافی و شرایط سهل برای سرمایه گذاری صنعتگران، نبود بیمه در شرائط کنونی، نبود اداره واحد و پاسخگو در پارک های صنعتی، موجودیت مرز های غیرقانونی و بدون کنترل، واردات غیرقانونی اجناس از کشور های همسایه و موارد مشابه دیگر... خواه ناخواه توانائی های رقابت سالم صنعتگران داخلی را در بازار در برابر کالا های مشابه وارداتی از بین برده است. از همه مهم تر، عدم مسؤلیت پذیری طالبان در ساحه خدماتی، معضل بزرگی را برای صنعتکاران ایجاد نموده است که در نتیجه بیش ترین کارخانه های تولیدی این ولایت به رکود مواجه شده و یا عملاً از فعالیت بازمانده است.

در شرایط دشوار کنونی، زنان کارگر، کودکان کارگر، و مردان کارگر کشور ما به شدید ترین وجه ممکنه در کارگاه ها و کارخانه های صنعتی و در سر مزارع بزرگ سرمایه داری استثمار می شوند: در فابریکات و در مزارع، در بخش خدمات و در کارگاه ها ساعات کار بیش از ۱۲ ساعت کار شاقه و مزد روزانه یک کارگر به حد اوسط از یکصد

و پنجاه افغانی تجاوز نمی‌کند. با این سطح معیشت پائین سالانه هزاران کارگر اعم از زن، مرد و طفل؛ در شرایط کار بردگی به شکل فجیع با دستمزد ناچیز جان می‌کنند و به امراض مهلک مختلف و مرگ تدریجی مبتلا شده و هیچ مرجعی که به دادشان برسد و هیچ منبعی که زحمتکشان را در بخش دولتی یا خصوصی تحت پوشش تأمینات اجتماعی یا بیمه قرار بدهد، وجود ندارد. در این میان شرایط کار زنان و کودکان کارگر از کارگران مرد وخیم‌تر است و مقدار مزد آنان در برابر کار مساوی با کارگران مرد نیز کمتر و کار آنان در حد کار بردگی است. در گذشته تحت نام اتحادیه کارگری (فسادخانه) صرف با نام و تحت پوشش نظام پوشالی کرزی، غنی و عبدالله بیشتر به چپاول و دزدی مشغول بودند و از کارگر حمایتی وجود نداشت. حالا نیز در نظام تحمیلی و نامشروع حاکم طالبانی با عین ماهیت مزدوری و ضد کارگری، نه تنها زحمتکشان حمایتی ندیدند، بلکه با عدم فعالیت کارخانه‌های تولیدی و کارگاه‌ها، اکثریت شان از کار بیکار شده‌اند.

در حال حاضر افغانستان کشور بیست با نفوس جوان و به تبع آن دارای نیروی کار جوان. بیش از پانزده میلیون کارگر و دهقان کشور ما بیکار هستند که اشغالگران امپریالیست با عزل و نصب دولت‌های ستمگر دیروز و طالب مزدور امروزی در ارگ غلامان کابل با سیاست‌های ویرانگرانه و غارتگرانه نئولیبرالی و ضد کارگری شان، زمینه ساز انحطاط اقتصادی کشور و بیکاری کارگران افغانستان در بخش‌های زراعت، پیشه‌وری، تولیدات صنعتی و خدماتی شده‌اند.

مقدرات مستقل کشور و مردم افغانستان برای راه نیل به استقلال ملی، شکوفائی اقتصادی، دموکراسی، عدالت و ترقی اجتماعی صرف به دست خود این مردم از طریق اتحاد و هم‌رزمی سراسری آنان به سویه ملی علیه ارتجاع و امپریالیسم رقم می‌خورد، نه به دست هیچ نیروی دیگری. لذا، چاره درد کارگران و سائر زحمتکشان کشور ما نیز رسیدن به آگاهی سیاسی، تشکل یابی به سویه ملی، متشکل شدن و مبارزه دسته جمعی به زیر درفش طبقه کارگر در راه احقاق مطالبات و خواسته‌های کوتاه مدت و درازمدت طبقاتی شان که همانا حاکمیت ملی و اجتماعی زحمتکشان است، و در نهایت رسیدن به جامعه‌ای میرا از مالکیت خصوصی، نابرابری، استثمار و انواع ستم (طبقاتی، ملی یا امپریالیستی، قومی، جنسیتی و مذهبی).

ادامه دارد